

تفسیر سوره

کعبہ



سیمای سوره‌ی سجده

این سوره، سی ایه دارد و در مکه نازل شده است.

این سوره یکی از ۲۹ سوره‌ای است که با حروف مقطعه آغاز و پس از آن از قرآن تجلیل شده است.

یکی از چهار سوره‌ای است که در آن آیه سجده‌ی واجب آمده است. طبق حدیثی که در مجمع البیان آمده رسول اکرم ﷺ هر شب قبل از خواب این سوره را با سوره‌ی مُلک تلاوت می‌فرمود.

همانند دیگر سوره‌های مکی، در این سوره نیز مباحث گسترده‌ای در مورد مبدأ و معاد و سرانجام کافران آمده است تا موجب تقویت ایمان مؤمنان و پایداری آنان در برابر فشار دشمنان گردد.

در آیه ۱۵، از رکوع و سجده به هنگام شب که مردم در خواب هستند، به عنوان ویژگی مؤمنان راستین یاد شده و قرائت این آیه نیز سجده واجب دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿١﴾ الَّمْ ﴿٢﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

الف، لام، ميم، نازل کردن این کتاب که شکی در آن نیست، از سوی پروردگار جهانیان است.

نکته‌ها:

- در مورد حروف مقطعه، در آغاز سوره بقره به تفصیل سخن گفته‌یم، اما طبق بعضی روایات، حروف مقطعه از مشابهاتی است که علم آن مخصوص خدا و اولیای اوست.^(۱)
- سؤال: با توجه به شک و تردید و نسبت افترا و کذبی که مخالفان قرآن اظهار می‌داشتند و بعضی آیات نیز به آن اشاره می‌کنند، چگونه این آیه می‌فرماید: «لا ریب فیه»؟ پاسخ: آیه می‌فرماید: در حقانیت قرآن و فرامین و معارف آن هیچ شک و شباهی راه ندارد، نه آنکه کسی در آن شک و تردید نکرده است. لذا در همان آیه ۲۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «و ان کنتم في ریب ما نزّلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله» هر گاه در شک هستید، سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن بیاورید. به قول نویسنده‌ی تفسیر فی ظلال القرآن: گل مصنوعی، گل طبیعی نمی‌شود، زیرا گل طبیعی به خودی خودگواه است که شکی در طبیعی بودن آن نیست.
- قرآن در اینکه از طرف خداوند است، بارها تأکید کرده، از جمله: «تنزيل الكتاب... من رب العالمين»

۱. تفاسیر مجتمع البیان و نورالثقلین.

﴿إِنَّهُ لِتَنزِيلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(١)

﴿تَنْزِيلُ الرَّحِيمِ﴾^(٢)

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنْ أَنَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^(٣)

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنْ أَنَّهُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾^(٤)

﴿تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^(٥)

﴿تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^(٦)

﴿تَنْزِيلًا مِّنْ خَلْقِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى﴾^(٧)

آری، کسی قرآن را نازل کرد که تمام هستی از اوست، بر همه چیز سلطه دارد، عزیز، رحیم، حکیم، علیم و حمید است.

پیام‌ها:

۱- قرآن در همان عصر نزول به صورت کتاب در آمده است. ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ﴾

۲- در حقانیت قرآن شکی راه ندارد، زیرا از سوی پرودگار جهانیان است. ﴿لَارِيب
فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۳- ربوبیت خداوند، مقتضی فرستادن کتابی متقن و خلل ناپذیر است. ﴿تَنْزِيلٌ... مِنْ
رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۴- کتاب تشریع، با نظام تکوین هماهنگ است. ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ... مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۵- نزول کتاب برای رشد و کمال است، آن هم رشد و تربیت همه‌ی هستی. ﴿رَبِّ
الْعَالَمِينَ﴾

۱. شعراء، ۱۹۲.

۲. غافر، ۴.

۳. زمر، ۱.

۴. يس، ۵.

۵. فصلت، ۲.

۶. فصلت، ۴۲.

۶. طه، ۴.

﴿۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ
مَنْ نَذَرَ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

آیا می‌گویند: (پیامبر) قرآن را به دروغ ساخته؟ بلکه آن همان حق منحصر
بع فرد است که از طرف پروردگاری می‌باشد تا قومی را که قبل از تو هیچ
هشدار دهنده‌ای برایشان نیامده بود بترسانی، تا شاید هدایت یابند.

نکته‌ها:

- «نذیر»، از «انذار» به ترساندن همراه با آگاهی گفته می‌شود، که همان هشدار است.
- سؤال: با این که قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ أَمْمَةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»^(۱) هیچ امّتی بدون پیامبر نبوده است، پس چگونه این آیه می‌فرماید: قبل از تو هیچ پیامبری برای مردم مکه نیامده بود؟

پاسخ: تا قبل از اسلام، ساکنان جزیره العرب و مردم مکه متشکّل نشده و به صورت امّت در نیامده بودند و پراکنده و متفرق زندگی می‌کردند.

پیام‌ها:

- ۱- نقل شباهات دینی و سخنان باطل، برای رد آن مانعی ندارد. «ام یقولون افتراه»
- ۲- تکذیب قرآن، شیوه‌ی دائمی کفار است. «ام یقولون» ولی شما حق را بگویید و از هدایتشان مأیوس نشوید. «لعلهم یهتدون»
- ۳- کفار، منطق ندارند و از حربه‌ی تهمت استفاده می‌کنند. «افتراه»
- ۴- در برابر تلاش مخالفان برای تضعیف حق، باید حق و پیروان حق را تقویت کرد. «بل هو الحق»
- ۵- سرچشم‌هی حق، خداست. «الحق من ربک»
- ۶- خداوند به شخص رسول اکرم ﷺ عنایت خاص دارد. «ربک»

- ٧- از اهداف اصلی بعثت انبیا، انداز مردم است. «لتذر»
- ٨- آشنایی با گذشته‌ی مخاطبان، برای مبلغ لازم است. «لتذر قوماً ما أتاهم من نذير من قبلك»
- ٩- انذار، برای هدایت است. «لتذر - لعلهم يهتدون»
- ١٠- کتاب و پیامبر برای هدایت انسان کافی نیستند، این خود انسان است که باید زمینه و استعداد هدایت را در خود به وجود آورده و آن را انتخاب و اختیار کند. «لعلهم يهتدون»

﴿٤﴾ أَللَّهُ الْأَلِّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

خداآند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، در شش روز آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت؛ برای شما جزا هیچ یاور و شفاعت کننده‌ای نیست، آیا متذکر نمی‌شوید (و پند نمی‌گیرید؟)

نکته‌ها:

- در زبان عربی برای «روز» دو واژه به کار می‌رود: یکی «نهار» و یکی «یوم». اولی به معنای روز در مقابل شب است و دومی به مجموع روز و شب و دوره‌ای از شبها و روزها نیز گفته می‌شود.
- با آنکه خداوند می‌توانست آسمان و زمین را در یک لحظه بیافریند، اما او اراده کرده است که آفرینش موجودات به شکل تدریجی صورت گیرد. این آیه می‌فرماید: آفرینش آسمان‌ها و زمین در طی شش دوره صورت گرفته است.

پیام‌ها:

- ١- برای محو شرک، باید از قدرت لایزال الهی و آفرینش آسمان‌ها و زمین سخن

گفت. «خلق - استوی - ما لکم من دونه من ولی»

۲- آفرینش و مدیریت هستی، از یکدیگر جدا نیست. «خلق - استوی»

۳- عرش، مرکز تدبیر و اداره جهان است. «استوی علی العرش»

۴- یکی از راههای انذار این است که تکیه‌گاهها و دلبستگی‌های مادی و غیر الهی، میان تهی و بی‌اثر معرفی شوند. «لتذر... ما لکم من دونه»

۵- یکی از راههای انذار، یادآوری نعمت‌هاست. «خلق... افلا تتذکرون»
این همه نقش عجب بر درودیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

۶- انسان در فطرت خود حقایقی را می‌باید، لکن باید با تذکر و یادآوری، او را غفلت زدایی نمود. «تذکرون»

﴿۵﴾ يُدِّيرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفُ سَنَةٍ مِّمَّا تَعَدُّونَ

(خداوند) امر (این جهان) را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند، سپس

در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمرید، (نظم

این عالم برچیده می‌شود و) به سوی او بالا می‌رود.

نکته‌ها:

▣ سؤال: در آیه ۴ سوره‌ی معارج می‌خوانیم: ملائکه و روح در روزی که مقدار آن پنجاه هزار

سال است، به سوی او عروج می‌کند؛ این آیه می‌فرماید: مقدار آن روز، هزار سال است؟

پاسخ: الف: در حدیث می‌خوانیم: قیامت پنجاه موقف دارد و هر موقفی معادل هزار سال

دنیوی است و آیه‌ی مورد بحث تنها به یک موقف اشاره دارد.^(۱)

ب: این آیه، در مورد عروج امر است و آن آیه، عروج ملائکه را می‌گوید؛ شاید عروج امر در

۱. تفسیر نمونه.

روزی باشد که هزار سال است و قیامت نیست، ولی عروج فرشتگان در روز قیامت باشد که پنجاه هزار سال است.

پیام‌ها:

- ۱- مرکز مدیریت زمین آسمان است، برنامه‌ها از آن جا نازل می‌شود و به آن جا عروج می‌کند. «يَدِيرُ الْأَمْر... يَعْرُجُ إِلَيْهِ»
- ۲- توحید در ربوبیت، از توحید در خالقیت جدا نیست. «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ - يَدِيرُ الْأَمْر»
- ۳- تدبیر الهی، دائمی است، نه مقطوعی. «يَدِيرُ الْأَمْر»
- ۴- همان گونه که در آفرینش، همه چیز از او و به سوی اوست، «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» تدبیر امور نیز از او و به سوی اوست. «مِنَ السَّمَاءِ - ثُمَّ يَعْرُجُ»

﴿۶﴾ ذَلِكَ عَالَمُ الْغَنِيُّ وَالشَّهَادَةُ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

اوست (خدواندی) که از پنهان و آشکار آگاه، (و) شکست ناپذیر و مهربان است.

﴿۷﴾ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

کسی که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

﴿۸﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

سپس (بقای) نسل او را از عصاره‌ای از آب پست و بی‌مقدار مقرر فرمود.

﴿۹﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ الْسَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئَدَةَ قَلِيلًاً مَا تَشْكُرُونَ

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در روی دمید، و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، (ولی) اندکی از شما سپاس می‌گزارید.

نکته‌ها:

- ◻ کلمه‌ی «سَوْىٰ» از «تسویه»، به معنای ایجاد تعادل و تناسب و دوری از هرگونه افراط و تفریط است.
- ◻ حقایق جهان برای ما دوگونه است: پیدا و ناپیدا، اما نزد خدا چیزی غایب و پنهان نیست.

پیام‌ها:

- ۱- قوانین حاکم بر جهان، براساس علم بی‌پایان الهی است. «يَدِيرُ الْأَمْر... عَالَمُ الْغَيْبُ وَالشَّهَادَة» (آری، تدبیر و اداره هر مجموعه‌ای به آگاهی از آن نیاز دارد).
- ۲- علم الهی، نسبت به پیدا و پنهان یکسان است. «عَالَمُ الْغَيْبُ وَالشَّهَادَة»
- ۳- قدرت الهی با مهر همراه است. «الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»
- ۴- همه‌ی آفریده‌ها نیکوست. «إِحْسَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (حتی زهر در بدن مار یک ارزش است، درست مثل آب دهان که در دهان انسان نعمت است، اما اگر خارج شود، به هر کجا بیفتدي یک اهانت است).
- ۵- همه چیز آفریده‌ی خداست. «كُلُّ شَيْءٍ خَلْقَهُ»
- ۶- ذکر جداگانه‌ی انسان، در کنار همه‌ی هستی، نشانه‌ی اهمیت و ارزش ویژه‌ی انسان است. «كُلُّ شَيْءٍ خَلْقَهُ - خَلْقُ الْإِنْسَانِ»
- ۷- آنچه نطفه می‌شود، تنها یک سلول و اسپرم بیش نیست. «سَلَالَةُ مِنْ مَاءٍ»
- ۸- هنرمند، خداوند است که قطره‌ای آب ناچیز و پست، موجودی شریف و ارزشمند می‌سازد. «خَلَقَ... مِنْ مَاءٍ مَهِينَ»
- ۹- آفرینش حضرت آدم با آفرینش بنی آدم متفاوت است. «بَدَا خَلْقُ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سَلَالَةِ مِنْ مَاءٍ مَهِينَ» (آفرینش حضرت آدم از خاک بود، ولی نسل او از نطفه و آب آفریده شدند).
- ۱۰- دریافت کمالات الهی، به آمادگی و تعادل نیاز دارد. (اول اندام موزون، سپس دمیده شدن روح الهی) «ثُمَّ سُوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ»
- ۱۱- از نشانه‌های شرافت انسان، دمیده شدن روح الهی در اوست. «مِنْ رُوحِهِ»

۱۲- آفرینش انسان اولیه تدریجی بوده است. «بدأ خلق الانسان... ثم سوّاه»

۱۳- وسعت دایره دید انسان بیش از گوش اوست. (انسان در یک لحظه نمی‌تواند دو صدا را مجزا از هم بشنود، ولی می‌تواند چند چیز را با هم تماشا کند، به علاوه انسان از راه گوش تنها صدای اشیای و افراد را می‌شنود، ولی از راه چشم، موقعیت، رنگ، حجم، حرکت و سکون را می‌بیند). («السمع» مفرد و «الابصار» جمع آمده است).

۱۴- در میان اعضای بدن، آنچه وسیله‌ی شناخت و معرفت است، مهم‌تر است.

(لذا تنها نام گوش و چشم و دل برده شده است). «السمع والابصار والافئده»

۱۵- توجه به دوران‌های پیدایش انسان، راهی به سوی خودشناسی و خداشناسی و شکرگزاری است. «قليلًا ما تشکرون»

۱۶- انسان باید شکرگزار باشد، و گرنه سزاوار توبیخ است. «قليلًا ما تشکرون»

﴿۱۰﴾ وَقَالُوا أَعِنَا ضَلَّلْنَا فِي الْأَرْضِ أَعِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُم بِإِلَقَاءِ

رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

و گفتند: آیا همین که (پس از مرگ) در زمین (دفن و پوسیده و) گم شدیم، آیا

آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟ آری، آنان به ملاقات پروردگارشان کافرند.

نکته‌ها:

□ در آیه قبل خواندیم که خداوند وسیله‌ی درک و فهم (چشم، گوش و دل) را به شما داد و سپس گلایه کرد که شما کم شکر می‌کنید. این آیه یکی از نمونه‌های ناسپاسی را بیان می‌کند که انسان با دیدن این همه قدرت‌نمایی خداوند، باز هم در برپایی قیامت تردید کند.

پیام‌ها:

۱- با نقل شباهات مخالفان و پاسخ قاطع به آنها، مؤمنان را بیمه و واکسینه کنیم.

﴿قالوا...﴾

۲- آنچه مورد تردید منکران قیامت قرار می‌گرفت، معاد جسمانی بود. «**ضللنا فی الارض...**»

۳- شک و تردید خود را با دلایل روشن برطرف کنید و نگذارید به تخریب کشیده شود. «**إِذَا... بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ**»

۴- کفار نیز تحت تدبیر ربویت خداوند هستند. «**بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ**»

﴿۱۱﴾ قُلْ يَتَوَفَّ أَكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

بگو: فرشته‌ی مرگ که بر شما گمارده شده، جانتان را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان برگردانده می‌شوید.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «تَوَفَّ» به معنای باز پس گرفتن کامل چیزی است. با توجه به اینکه بدن مرده پس از مرگ در جای خود باقی می‌ماند، پس مراد از گرفتن به طور کامل، گرفتن روح است که حقیقت انسان است و که اگر رفت، انسان به طور کامل رفته است. بنابراین روح دارای اصالت و استقلال بوده و باقی است و در قیامت همین روح با ملحق شدن دوباره به جسم، برانگیخته خواهد شد.

□ قرآن درباره‌ی شیوه‌ی قبض روح، سه تعبیر دارد:
 الف: در یکجا می‌فرماید: فرشتگان، جان وروح آدمی را می‌گیرند. «**تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ**»^(۱)
 ب: در آیه‌ی مورد بحث، مأمور قبض روح را فرشته‌ای به نام ملک الموت معرفی کرده است.
 ج: در آیه‌ی ۴۲ سوره زمر این کار را به خداوند نسبت می‌دهد. «**اللَّهُ يَتَوَفَّ الْأَنْفُسَ**»
 در جمع این سه آیه شاید بتوان گفت: فرشتگان، روح را می‌گیرند و آن را به ملک الموت تحويل می‌دهند و او به خدای متعال تحويل می‌دهد. چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که در اطراف جهان افراد زیادی در آن واحد می‌میرند، چگونه ملک الموت در یک

لحظه در همه جا حضور دارد؟ فرمودند: او یارانی از فرشتگان دارد که روح مردم را از اطراف می‌گیرند، سپس ملک الموت ارواح را از فرشتگان تحویل می‌گیرد.^(۱) شاید هم درجات مردم سبب تفاوت قبض روح آنان می‌شود به این معنا که مردم عادی را فرشتگان و مردم با تقوا را ملک الموت و اولیائی خدا را خداوند قبض روح می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- شباهات را بدون پاسخ نگذارید. «فالوا... قل...»
- ۲- حقیقت انسان روح اوست، همین که روح قبض شد گویا انسان قبض شده است. «یتوّاکم»
- ۳- فرشتگان از انجام مأموریت، شانه خالی نمی‌کنند. «ملک الموت الّذی وُكّل بکم»
- ۴- کار فرشتگان، طبق مأموریتی است که به آنان واگذار شده است. «وُكّل بکم»
- ۵- مر انسان و دفن او، گامی برای زنده شدن اوست، همان‌گونه که دفن بذر گامی برای سبز شدن است. «ثُمَّ اٰلِي رِبّکم ترجمون»
- ۶- همان خدایی که جان‌ها را می‌گیرد، روزی با یک اراده، همه انسان‌ها را به سوی خود بر می‌گرداند. «ترجمون»

**﴿۱۲﴾ وَلَوْتَرَى إِذْ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رِبِّهِمْ رَبَّنَا
أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجَعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوْقِنُونَ**

و (چه صحنه‌ی دلخراشی است) اگر ببینی مجرمان را هنگامی که نزد پروردگارشان سرهای خود را به زیر افکنده (می‌گویند): پروردگار! دیدیم و شنیدیم (آنچه را وعده کرده بودی)، پس مارا (به دنیا) بازگردان تا کار نیکو انجام دهیم، همانا ما به یقین رسیدیم.

۱. تفسیر نورالثقلین.

نکته‌ها:

□ گرچه در این آیه، مجرمان تقاضای بازگشت به دنیا و انجام عمل صالح دارند، اما چنانکه در آیه ۲۸ سوره‌ی انعام می‌خوانیم: آنها اگر به دنیا نیز برگردند باز تخلف می‌کنند. «ولو رُدُّوا
لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ أَنْهُمْ لِكَاذِبُونَ»

پیام‌ها:

- ۱- سرکشی امروز مجرمان، سرافکنندگی فردای قیامت را در پیش دارد، و این مایه‌ی تسلی پیامبر و مؤمنان است. «ولو تری»
- ۲- قیامت، روز سرافکنندگی و شرمندگی مجرمان است. «الْجَرْمُونَ نَاكْسُوا رُؤْسَهُمْ»
- ۳- روز قیامت، روز اقرار است. «رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَ سَعْنَا»
- ۴- روز قیامت، روز کشف حقایق و باز شدن چشم‌ها و گوش‌ها است. (کسانی که چشم و گوش خود را بردیدن و شنیدن حق بسته بودند، در آن روز می‌گویند: «ابصرنا و سمعنا»)
- ۵- آنچه در قیامت سبب نجات است، تنها عمل صالح است که جای آن دنیا است. «فَارْجَعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا»
- ۶- دلیل جرم و گناه، باور نداشتن قیامت است. (آن جا می‌گویند: «أَنَا مُوقَنُونَ» ولی چه سود؟)

**﴿۱۳﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَأَتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًاهَا وَلَكِنْ حَقَ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ
جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ**

و اگر می‌خواستیم هر کس را (به اجبار) به هدایت می‌رساندیم ولی (می‌خواهیم که هر کس خود راه خود را انتخاب کند) ولی (کافران بدانند که) اراده قطعی من چنین است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنهکار) از جن و انس پر خواهم کرد.

پیام‌ها:

- ۱- کارهای الهی با مشیت و اراده اوست. «ولو شئنا لاتینا...»
- ۲- پذیرفتن هدایت، باید اختیاری باشد نه اجباری. «ولو شئنا لاتینا...»
- ۳- مردم متفاوتند و هر شخصی هدایتی مخصوص خود دارد. «کل نفس هُداها»
- ۴- رحمت گسترده‌ی الهی، مانع قهر او نیست. «لَأَمَلَّنَ»
- ۵- جن مانند انسان، مورد تکلیف و مهر و قهر الهی است. «من الجنۃ والناس»

﴿۱۴﴾ **فَذُوقُوا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءٍ يَوْمَكُمْ هَذَا إِنَّا نِسِيْنَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلُدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**

پس به خاطر آن که ملاقات چنین روزی را فراموش کردید (عذاب را) بچشید، ما (نیز) شمارا به دست فراموشی سپردیم، و عذاب دائمی را بچشید، به خاطر آنچه انجام می‌دادید.

نکته‌ها:

- در دو آیه قبل، مجرمان تقاضای برگشت به دنیا را داشتند، شاید این آیه پاسخ ردی به درخواست آنان باشد.
- نسبت فراموشی و نسیان به خداوند معنا ندارد، بنابراین، مراد از «نسینا» آن است که برخورد ما با شما فراموش کنندگان قیامت، برخورد کسی است که شما را به دست فراموشی سپرده است.

پیام‌ها:

- ۱- دلیل کیفر را به مجرمان تفهیم کنید. «فذوقوا بما نسيتم»
- ۲- کیفرهای الهی، عادلانه و مماثل است. «نسیتم - نسینا»
- ۳- یاد معاد، کلید نجات است و غفلت از آن، مایه‌ی گرفتاری است. «بما نسيتم»
- ۴- سرچشمه‌ی اعمال فاسد، غفلت از معاد است. «نسیتم - کنتم تعلمون»

۵- استمرار عمل بد، موجب استمرار در عذاب دوزخ است. «عذاب الخلد بما كنتم تعملون»

۶- هر یک از موضع‌گیری‌ها و عملکردها، کیفری متناسب با خود دارد. (تکرار «ذوقوا»، نشان آن است که فراموش کردن قیامت، عذابی دارد و عملکرد انسان، عذابی دیگر.)

﴿۱۵﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِأَيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُواْ بِهَا حَرُوْاْ سُجَّداً وَسَبَّحُواْ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

تنها کسانی به آیات ما ایمان دارند که هرگاه این آیات به آنان یادآوری شود به شکل سجده رُخ بر خاک نهند و با ستایش پروردگارشان تسبیح گویند، و آنان تکبّر نمی‌ورزند.

نکته‌ها:

■ در چهار سوره‌ی قرآن، به آیاتی می‌رسیم که واجب است هنگام تلاوت آنها سجده کنیم. این سوره‌ها عبارتند از: فصلت، نجم، علق و سجده که در اصطلاح به سوره‌های عزائم نامگذاری شده‌اند. طبق مکتب اهل بیت ﷺ، خواندن این چهار سوره در نماز بعد از حمد جایز نیست و کسانی که جنب یا حائض هستند نباید حتی یک آیه از این چهار سوره را تلاوت نمایند.

پیام‌ها:

- ۱- سجده عاشقانه و تسبیح و ستایش خداوند، نشانه‌ی مؤمن است. «أَنَّمَا يُؤْمِنُ
- ۲- قرآن در شیوه‌ی تبلیغ و ارشاد خود، در کنار ترسیم چهره‌ی مجرمان، نشانه‌های مؤمنان را نیز بیان می‌کند. «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُواْ حَرُوْاْ...
- ۳- تعلق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از مردم، به خاطر تکبّر خود آنهاست. «لَوْ شئْنَا لَآتَيْنَا كُلّ نَفْسٍ هَدَاهَا... أَنَّمَا يُؤْمِنُ... الَّذِينَ... هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»

۴- آیات الهی، با فطرت و خرد بشر هماهنگ است و تنها به تذکر نیاز دارد. «اذا ذکروا...»

۵- سجده‌های مؤمنان، مخصوص هنگام نماز نیست. «اذا ذکروا... خرّوا»

۶- در عبادت، هم زمان مطرح است، «اذا» هم زمینه، «ذکروا» هم عمل. «خرّوا»

۷- سجده باید عاشقانه باشد. «خرّوا سجّدا» گویا با تمام وجود به خاک می‌افتد.

۸- بهترین ذکر در حال سجده، تسبیح همراه با ستایش است. «سجّداً و سبّحوا بحمد ربّهم»

۹- سجده‌ای ارزش دارد که به دنبالش غرور و تکبر نباشد. «خرّوا سجّداً... و هم لا يَسْتَكْبِرُون»

﴿۱۶﴾ تَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعاً وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

(مؤمنان، به هنگام شب، پهلوهایشان از بسترها دور می‌ماند (و)

پروردگارشان را از روی بیم و امید می‌خوانند، و از آنجه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

پیام‌ها:

۱- سحر خیزی و دل کندن از رختخواب، یکی دیگر از نشانه‌های مؤمنان است. «تجافٰ جنوہم...»

۲- عبادت‌هایی که با نوعی ریاضت و خفا همراه باشد ارزش بیشتری دارد. «تجافٰ»

۳- مؤمن، نه مأیوس است، نه مغرور، هم بیم دارد، هم امید. «يدعون ربّهم خوفاً و طمعاً»

۴- تواضع، سحرخیزی و انفاق، خصلت دائمی مؤمنان است. «لا يَسْتَكْبِرُون - يَدْعُونَ - يُنفِقُونَ» (همه با صیغه‌ی مضارع آمده است).

۵- رابطه‌ی شبانه با خداوند، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. «يدعون - ينفقون»

۶- مورد اتفاق، تنها مال نیست، بلکه شامل علم و آبرو و دیگر سرمایه‌های انسان نیز می‌شود. «مما رزقناهم ينفقون»

﴿۱۷﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أَخْفِي لَهُم مِّنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هیچ کس نمی‌داند چه پاداش مهمی که مایه‌ی روشی چشم‌هاست برای آنان نهفته است، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند.

نکته‌ها:

- قرآن در مورد میزان پادash‌های الهی چند تعبیر دارد. یک جا «ضعف»^(۱) به معنای دو برابر، یک جا «اضعاف»^(۲) به معنای چند برابر یک جا «عشر امثالها»^(۳) به معنای ده برابر و در جای دیگر تشبيه به دانه‌ای که هفت خوش برآورد و در هر خوشه صد دانه باشد، یعنی هفت‌صد برابر؛^(۴) ولی این آیه فراتر از عدد و رقم را بازگو می‌کند و می‌فرماید: هیچ کس از پاداش این گروه از مؤمنان، که اهل نماز شب و اتفاق هستند، آگاه نیست.
- امام صادق علیه السلام فرمود: ثواب هر کار نیکی در قرآن بیان شده است، مگر نماز شب؛ که جز خداوند کسی پاداش آن را نمی‌داند. سپس این آیه را تلاوت فرمود.^(۵)

پیام‌ها:

- ۱- سحرخیزی، نماز شب، کمک به محرومان، بالاترین پاداش‌ها را دارد. «فلا تعلم نفس»

- ۲- برخی پادash‌های الهی، برای ما قابل درک نیست. «فلا تعلم نفس»

۱. اعراف، ۳۸.

۲. بقره، ۲۴۵.

۳. انعام، ۱۶۰.

۴. بقره، ۲۶۱.

۵. تفاسیر مجتمع البیان والمیزان.

۳- در شیوه‌ی تربیت، گاهی باید نوع و مقدار تشویق و پاداش مخفی باشد. «ما أُخْفِي لَهُمْ»

۴- عبادت مخفی، پادash‌های مخفی دار. «تتجافِ... أُخْفِي لَهُمْ»

۵- برای دریافت پاداش بی‌حساب، سختی سحرخیزی را بر خود هموار کنیم. «تتجافِ - أُخْفِي لَهُمْ»

۶- سعدیاً گرچه سخنداN و نصیحت گویی؛ به عمل کار برآید به سخنداN نیست. «ما كَانُوا يَعْمَلُونَ»

﴿۱۸﴾ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوْنَ

پس آیا کسی که مؤمن است مثل کسی است که فاسق است؟ (هرگز چنین نیست، این دو گروه) مساوی نیستند.

پیام‌ها:

۱- در بیان حق، با طرح سؤال، از وجودان مردم کمک بگیرید. «افن کان...»

۲- شیوه‌ی مقایسه، یکی از بهترین شیوه‌های آموزشی است. «افن کان... کمن کان»

۳- تنها کفار، مخالف مؤمنان نیستند، افراد فاسق نیز در جبهه‌ی مخالف قرار دارند. «مؤمناً... فاسقاً»

۴- از مردم سؤال کنید، لکن نظر حق خود را نیز اعلام کنید. «لا یستون»

﴿۱۹﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى تُرْزَلٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اماً کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند، پس برای پذیرایی از آنها جایگاهی از باغ‌های (بهشت فراهم) است، به خاطر آنچه انجام می‌دادند.

﴿۲۰﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَا وَاهْمَ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا
أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ دُوْقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكْذِبُونَ

و امّا کسانی که (از مدار ایمان خارج و) فاسق شدند، پس جایگاهشان آتش است،
هر گاه اراده کنند که از آن بیرون آیند، در آن باز گردانده می‌شوند و به آنان گفته
می‌شود: بچشید عذاب آتشی را که همواره تکذیبیش می‌کردید.

نکته‌ها:

- در آیه ۱۸ به طور سربسته فرمود: آیا مؤمن و فاسق یکسانند؟ در این آیات به تفصیل سرنوشت هر دو گروه را بیان می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- ایمان از عمل جدا نیست. «امنوا و عملوا...»
- ۲- مؤمن باید تمام کارهایش پسندیده باشد. «الصالحات»
- ۳- باغ‌های بهشتی، برای پذیرایی از مؤمنان است. «نُزُلًا»
- ۴- فاسق منکر قیامت همیشه در دوزخ خواهد ماند. «كُلًا ارادوا... أُعِيدُوا»
- ۵- شکنجه‌ی جسمی دوزخیان، با تحقیر روحی آنان همراه است. «أُعِيدُوا فِيهَا و
قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا»

﴿۲۱﴾ وَلَنْدِيَقَنُهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
و البَّهْ ما غَير از آن عذاب بزرگتر (در قیامت) از عذاب نزدیک (در این
دنیا) به آنان می‌چشانیم، تا شاید به سوی خدا باز گردند.

نکته‌ها:

- عذاب دنیا، هم نزدیک است و هم کوچک. عذاب آخرت، هم دور است و هم بزرگ. طبق قاعده، باید در برابر کلمه‌ی «ادنی» کلمه‌ی «ابعد» به کار رود ولی نمی‌توان گفت: قهر خدا دور است، لذا به جای کلمه‌ی «ابعد» وصف «اکبر» آمده است؛ از طرف دیگر امکان داشت به

جای کلمه‌ی «ادنی» کلمه‌ی «صغر» بباید تا با کلمه‌ی «اکبر» مناسب باشد ولی نمی‌توان قهر خدا را کوچک شمرد، لذا در یک جا کلمه‌ی «ادنی» به کار رفته و در یک جا کلمه‌ی «اکبر». □ رسول خدا^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} فرمودند: مراد از «العذاب الادنی»، مصیبت‌ها، بیماری‌ها و رنج‌هایی است که انسان در دنیا به آن گرفتار می‌شود.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- یکی از سنت‌های الهی، گرفتار کردن گنه‌کار برای توبه است. «ولنذیقْهُمْ... لعلَّهُمْ يرجعُون»
- ۲- در تربیت، همیشه و همه جا، محبت کارساز نیست، گاهی برخورد تند و قهر لازم است. «العذاب الادنی»
- ۳- عذاب آخرت از همه‌ی عذاب‌های دنیوی بزرتر است. «العذاب الاکبر»
- ۴- تلخی‌های دنیوی باید زنگ بیدار باش و زمینه‌ی توبه قرار گیرد. «لعلَّهُمْ يرجعُون» (راه بازگشت برای خلافکاران نیز باز است).
- ۵- تلخی‌های دنیوی، با عدل الهی، منافاتی ندارد، زیرا بر اساس حکمت و برای اصلاح مردم است. «ولنذیقْهُمْ... لعلَّهُمْ يرجعُون»
- ۶- در تربیت، احتمال تأثیر کافی است و یقین لازم نیست. «لعلَّهُمْ يرجعُون»
- ۷- با چشیدن عذاب‌های دنیوی، بازهم بازگشت خلافکاران از گناهان خود اجباری نیست. «لعلَّهُمْ يرجعُون»

﴿۲۲﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِإِيمَانِ رَبِّهِ ثُمَّ أَغْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ

و کیست ستمکارتراز کسی که به آیات پروردگارش تذکر داده شود، ولی از آنها اعراض نماید؟ البته ما از تبهکاران انتقام می‌گیریم.

۱. تفاسیر نورالثقلین و کنز الدقائق.

نکته‌ها:

■ در آیه ۱۵ خواندیم که هرگاه مؤمنان به آیت الهی تذکر داده شوند، بی درنگ به سجده می‌افتد؛ در برابر این گروه، کسانی هستند که این آیه می‌فرماید هنگام تذکر نسبت به آیات خداوند بی توجّهی و اعراض می‌نمایند.

پیام‌ها:

- ۱- اعراض از تذکرات الهی، بالاترین ظلم به خود و جامعه است. «و من اظلم»
- ۲- خداوند، مؤمن و غیر مؤمن را هر کدام به نحوی تذکر می‌دهد. «ذُكِّرُوا بِآياتِ رَبِّهِمْ حَرَّوا سُجْدًا»، «ذُكِّرُوا بِآياتِ رَبِّهِ ثُمَّ اعْرَضُ»
- ۳- بی‌اعتنایی گنهکار به تذکر، بدتر از گناه است. «ذُكِّرُوا - اعرض - اظلم»
- ۴- رحمان و رحیم بودن خداوند، با قهر او منافاتی ندارد. «أَنَا مِنَ الْجَرَمِينَ مُنْتَقِمُونَ»
- ۵- اعراض از آیات الهی جرم است و مجرم در معرض انتقام الهی قرار دارد. «مُنْتَقِمُونَ»
- ۶- تذکر و محبت کافی نیست، در مورد مجرمان، تنبیه و شدّت عمل لازم است.

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِقَائِهِ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

و همانا ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در لقای او (با خدا و دریافت آیات الهی) شک نداشته باش، ما آن (کتاب) را برای بنی اسرائیل مایه‌ی هدایت قرار دادیم.

نکته‌ها:

- در اینکه مراد از جمله‌ی «فلا تکن في مريه من لقاء» چیست، چند احتمال داده شده است، از جمله:

- الف: در ملاقات حضرت موسی با خداوند و دریافت وحی شک نکن.
- ب: در لقای قرآن و وحی شک نکن. (که مؤید آیه ۳ این سوره است)
- ج: در لقای قیامت شک نکن. (که مؤید آیه ۱۰ و ۱۴ این سوره است)

پیام‌ها:

- ۱- رسالت پیامبر اسلام و نزول کتاب آسمانی، امر بی سابقه‌ای نبوده است. «ولقد آتينا موسی الكتاب»
- ۲- آگاهی از تاریخ انبیا، مایه تسلی واطمینان خاطر است. «ولقد آتينا موسی... فلاتکن»
- ۳- درباره رهبر آسمانی، نباید هیچ گونه شک و تردیدی وجود داشته باشد. «فلا تكن في مرية»
- ۴- تورات، برای هدایت بنی اسرائیل بوده است، نه جهانیان. «هدی لبني اسرائیل»

**﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا
إِيَّاَتِنَا يُوقِنُونَ﴾**

واز میان بنی اسرائیل پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت کنند؛ چون آنان، هم صبر کردند و هم به آیات ما یقین داشتند.

پیام‌ها:

- ۱- تعیین رهبری، از حقوق الهی است. «جعلنا... أئمة»
- ۲- محتوا، شیوه و محدوده‌ی هدایت را خداوند تعیین می‌کند. «یهدون بامرنا» (به انتخاب خداوند، نه به انتخاب مردم)^(۱)
- ۳- یقین و صبر، دو شط لازم برای رهبری است. (رهبر باید به هدف یقین داشته باشد و تا آخرین مرحله مقاومت کند). «صبروا... یوقنون»

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿۲۵﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

همانا پروردگار تو میان مردم در قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهد کرد.

نکته‌ها:

■ در آیه‌ی قبل خواندیم که خداوند افراد لایق را رهبر و امام قرار می‌دهد. در این آیه می‌خوانیم: خداوند اختلافات مردم را در قیامت فیصله خواهد داد. شاید مراد از اختلاف، اختلاف در مسأله‌ی رهبری باشد و این که چرا با رهبران تعیین شده‌ی الهی لجاجت و مجادله کردند تا خداوند در قیامت به حسابشان برسد و این نوعی تهدید برای کسانی است که در برابر رهبران تعیین شده از طرف خداوند پرچم مخالفت بلند کردند.

پیام‌ها:

۱- فیصله دادن به اختلافات، از شئون ربوی در قیامت است. «ربک هو یفصل»

۲- تمام اختلافات، در قیامت فیصله خواهد یافت. «یفصل بینهم یوم القیامۃ»

۳- اختلافات دینی در دنیا حل نشدنی است. «یفصل بینهم یوم القیامۃ»

۴- انسان‌ها در طول تاریخ، همواره اختلاف داشته‌اند. «کانوا فیه یختلفون»

۵- رهبران دینی هرگز نسبت به کار خود و هدایت مردم دلسرب نشوند، زیرا اختلافات همیشه بوده است. «فیما کانوا فیه یختلفون»

﴿۲۶﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كُمْ أَهْلَكُنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي
مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ

آیا برایشان روشن نشده که ما قبیله‌های بسیاری را قبل از ایشان هلاک

کردیم؟ با این که این‌ها در خانه‌های آن هلاک شدگان رفت و آمد دارند؛

البته در این (هلاکت‌ها و جایگزین شدن‌ها، عبرت‌ها و) نشانه‌هایی است،

آیا نمی‌شنوند؟

نکته‌ها:

- ◻ «قرون» جمع «قرن» به معنای قوم و ملتی است که در یک زمان زندگی می‌کرده‌اند.
- ◻ در این آیه که مسأله‌ی هلاکت اقوام پیشین بیان شده و به تاریخ مربوط است باید پیام آن را با شنیدن دریافت کرد، لذا در پایان آیه می‌خوانیم: «أَفَلَا يَسْمَعُون» ولی در آیه‌ی بعد که سخن از سبز شدن زمین‌های بی‌گیاه است، پیام آیه را با دیدن دریافت می‌کنیم، لذا در پایان آیه می‌خوانیم: «أَفَلَا يَصْرُون»

پیام‌ها:

- ۱- مردم مکه از انقراض اقوام پیشین آگاه بودند و آثار به جای مانده از آنان در گذرگاه آنان بود، ولی عبرت نمی‌گرفتند. **﴿أَوْلَمْ يَهْدِ هُمْ﴾**
- ۲- تحولات تاریخ، قانون‌مند است. (هلاکت اقوام پیشین از یک سو و سفارش به عبرت گرفتن دیگران از سوی دیگر، نشان دهنده‌ی آن است که حوادث تاریخی، تصادفی نیست، بلکه رمز و رازی دارد که باید به آن پی برد.) **﴿أَوْلَمْ يَهْدِ هُمْ﴾**
- ۳- سقوط قبایل سرکش، از بهترین مایه‌های هدایت آیندگان است. **﴿أَوْلَمْ يَهْدِ هُمْ كَمْ أَهْلَكَنَا مِنْ قَبْلِهِمْ﴾**
- ۴- قبایل سرکش و هلاک شده در تاریخ بسیارند. **﴿كَمْ أَهْلَكَنَا... مِنَ الْقَرْوَنَ﴾**
- ۵- بازدید از آثار باستانی و آثار به جار مانده از اقوام پیشین مورد سفارش اسلام است، اما به شرط آنکه همراه پند و عبرت باشد، نه از روی غفلت. **﴿أَوْلَمْ يَهْدِ هُمْ - يَسْتَهْوِنُ فِي مَسَاكِنِهِمْ﴾**
- ۶- بهترین صحنه‌های عبرت آموز، آن جاست که خود انسان حضور دارد. **﴿يَسْتَهْوِنُ فِي مَسَاكِنِهِمْ﴾**
- ۷- حفظ آثار باستانی نیاکان، برای عبرت آیندگان لازم است. **﴿مَسَاكِنِهِمْ﴾**
- ۸- عوامل عزّت و ذلت اقوام گذشته را بررسی کنید و از آن درس عبرت گیرید. **﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعْرَةً﴾**

- ۹- سقوط ملت‌ها و تمدن‌ها، جلوه‌ای از آیات الهی است. «ان ذلك لآیات...»
- ۱۰- اگر گوش شنوا باشد، خرابه‌های خاموش نیز برای ما پیام دارند. «أَفَلَا يسمعون؟

﴿۲۷﴾ أَوَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ رَزْعًا
تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبَصِّرُونَ

آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه می‌راتیم، پس به وسیله‌ی آن گیاهان را می‌رویانیم تا چهار پایانشان و خودشان از آن بخورند؟ پس آیا نمی‌بینند؟

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «جُرْز» به زمین کویری گفته می‌شود که ریشه‌ی گیاه در آن قطع شده باشد.^(۱)
- در آیه‌ی قبل، هلاکت سرکشان نشانه‌ی قدرت الهی شمرده شد و در این آیه آبادی زمین.

پیام‌ها:

- ۱- شیوه‌ی تربیتی قرآن آن است که از تحولات طبیعی برای هدایت مردم استفاده می‌کند. «أَوْلَمْ يَرَوْا...»
- ۲- حرکت ابرهای پر آب و بارش باران در مناطق دور از دریا تصادفی نیست، بلکه با اراده‌ی حکیمانه‌ی خداوند است. «إِنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ»
- ۳- زمین با آب حاصلخیز می‌شود «فَنُخْرِجُ بِهِ رَزْعًا» اما برخی دل‌ها با آن همه آیات عبرت‌آموز حاصلخیز نمی‌شود! «أَوْلَمْ يَهْدِ لَهُمْ»
- ۴- در بهره‌گیری مادی، حیوانات بر انسان‌ها مقدمند. «أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ» (حیوانات بیشتر می‌خورند، راحت‌تر می‌خورند، پختن و شستن و پوست کنند نیز ندارند!)

۱. مفردات راغب.

- ۵- اگر انسان بصیرت نداشته باشد، چه بهتر که نامش بعد از چهار پایان برده شود. «انعامهم و انفسهم أَفْلَا يَبْصُرُونَ»
- ۶- از نظام بارش باران و رویش گیاهان، ساده نگذرید. «أَفْلَا يَبْصُرُونَ»

﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و کفار می‌پرسند: اگر راست می‌گویید، این پیروزی (شما) چه زمانی است؟

﴿٢٩﴾ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الظّالِمُونَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

بگو: (بدانید که در) روز پیروزی، ایمان آوردن کسانی که کفر ورزیدند به حالشان سودی نخواهد داشت، و به آنان مهلت داده نخواهد شد.

﴿٣٠﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَأَنْتَطِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ

پس، از آنان دوری کن و منتظر باش، که آنان نیز منتظرند.

نکته‌ها:

- ◻ خداوند در آیات قبل فرمود: ما از مجرمان انتقام می‌گیریم و آنان را به کیفر می‌رسانیم. کفار به عنوان استهزا می‌پرسند: روز پیروزی شما مؤمنان و انتقام از ما چه روزی است؟ خداوند به این عمل و سخن آنان نیز پاسخ می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- به گفته‌های مخالفان دیگران پاسخ دهیم. «يقولون... قل»
- ۲- ایمان، در لحظه‌ی اضطرار سودی ندارد. «لا ينفع... إيمانهم»
- ۳- گرچه مهلت دادن، از سنت‌های الهی است، «امهلهم رویدا»^(۱) لکن آن هم حد و مرزی دارد. «و لا هم ينظرون»

۴- بعد از استدلال و هشدار، آخرین مرحله، اعراض از منحرفان است. «فافعرض

عنهم»

۵- گذر زمان، مسایل و اختلافات میان پیروان حق و باطل را روشن می‌کند.

«وانظر»

۶- رهبر باید به آینده خوش بین و دلگرم باشد. «وانظر»

۷- کفار همواره در انتظار شکست مسلمانان می‌باشند. «أنهـمـ منـتـظـرـونـ»

«والحمد لله رب العالمين»